نیما نکیسا راز بازی کردن عابدزاده مقابل امریکا را فاش می‌کند:

یا مصدومیتی نبوده، یا یک گلر مصدوم را بازی دادند!

تصور کنید بعد از ۲۰ سال تیم ملی به جام جهانی رفته و در اولین بازی یک گلر ۲۴ ساله قرار است در ترکیب اصلی باشد. نیما نکیسا به خاطر فیکس شدن در جام ملت های ۱۹۹۶

مدیون محمد مایلی کهن است اما از اتفاقات جام جهانی فرانسه دل پری دارد. گفت‌وگو با او را بخوانید:

آقای نکیسا چطور شد به جام جهانی ۱۹۹۸ رسیدید؟

لطف و اعتماد آقای مایلی کهن در سال ۱۹۹۵ بود که من برای جام ملت های ۹۶ دعوت شوم تیم ملی. خدا را شکر سال قبلش در تیم پیام مقاومت همراه دوستانم بازی های بسیار خوبی انجام دادیم آن هم در تیمی که هیچ کس توقع نداشت نتیجه بگیرد. آن نمایش ها مورد توجه آقای مایلی کهن قرار گرفت و ایشان به من اعتماد کرد تا به جام ملت ها بروم و آنجا هم نمره قبولی بگیرم. قبل از آن هم من در یک بازی دوستانه در بیروت مقابل لبنان عملکرد خوبی داشتم و پنالتی هم گرفتم. در نهایت بازی های مقدماتی جام جهانی استادمان آقای عابدزاده بازی کرد اما در بازی های قبل از جام جهانی مقابل گنگان، تیم ملی کرواسی، اینتر و آاس رم من بازی کردم و در نهایت وارد جام جهانی شدم و مقابل یوگسلاوی با صلاحدید آقای طالبی به میدان رفتم.

همین جا بایستید. می خواهم بدانم کی متوجه شدید که قرار است در آن بازی فیکس باشید؟

چند ساعت قبل از بازی در هتل تیم ملی.

اصلاً فکر می کردید در جام جهانی بازی کنید؟

فکر نمی کردم. بالاخره جام جهانی بود و آقای عابدزاده با آن همه تجربه و محبوبیت حضور داشت و فکر می کردند از ایشان استفاده می شود اما به من اعتماد شد.

شب قبل از بازی استرس نداشتید که در اولین بازی تیم ملی بعد از ۲۰ سال قرار است بازی کنید؟

نه اصلاً چون هرگز فکر نمی کردم بازی کنم. شاید این نقطه ضعف کادر فنی می توانست باشد که وقتی می خواهند به یک گلر جوان میدان بدهند شب قبل از بازی از نظر روانی آماده اش نکردند.

شاید مصدومیت عابدزاده به گونه‌ای بود که نیاز به بررسی بیشتر داشت و کادر فنی در مورد بازی دادن به شما تا ساعت‌های آخر به جمع‌بندی لازم نرسیده بودند؟

ببینید رشته تحصیلی من در دانشگاه آسیب شناسی ورزشی است. شما کدام مصدومیت را سراغ دارید که بازیکن ظرف سه چهار روز خوب شود.

تقریباً هیچ چیز. بخصوص وقتی پای بازی در جام جهانی در میان باشد بازیکن باید صددرصد آماده باشد.

از دو حالت خارج نیست. یا مصدومیتی وجود نداشته یا مقابل امریکا یک گلر مصدوم را بازی دادند. آدم اگر ناخنش هم شکسته باشد چهار روز بیشتر طول می کشد تا خوب شود. پس در هر صورت این فرضیه رد است.

چه می خواهید بگویید؟

می خواهم بگویم تعصبات بیجا در مورد برخی اشخاص باعث می شود خیلی ها به اصل ماجرا توجه نکنند. اینکه اگر گلر مصدوم گذاشتیم در ترکیب اشتباه کرده‌ایم و این طور نباشد که بخواهیم لیاقت فرد دیگری را زیر سؤال ببریم.

بیشتر توضیح می دهید؟

ببینید آقای طالبی روز بازی با امریکا من را صدا کرد توی اتاقش، گفت امروز بازی خیلی سنگینی داریم. از نظر من تو گلر فیکس هستی اما من می خواهم عابدزاده را بازی دهم. گفتم چرا توضیح می دهید، تصمیم گیری با شماست. در آن بازی با وجود فشار سنگین امریکا و ۶-۵ تا توپی که به تیر دروازه مان خورد با گل های استیلی و مهدوی کیا بازی قرن را بردیم و مردم خوشحال شدند اما دوباره آقای طالبی قبل از بازی آلمان من را صدا کرد و گفت من می دانم....

اجازه بدهید. خلاصه اش این بود که آقای طالبی می خواست شما را در ترکیب بگذارد اما می ترسید؟

بحث این نیست. می گفت اگر این کار را بکنیم همه می گویند نکیسا بازی کرد و به یوگسلاوی باختیم، عابدزاده بازی کرد و امریکا را بردیم، بعد برای چه نکیسا را مقابل آلمان در ترکیب گذاشتی؟ بالاخره آقای عابدزاده سوپاپ اطمینان بود. ایشان سالیان سال حاکم بلامنازع دروازه تیم ملی بودند و انسان بسیار بزرگ و محبوبیت بسیار زیادی داشتند، دارند و خواهند داشت اما این طور نیست که بخواهیم توانایی های فرد دیگری را کتمان کنیم و هیچ آلترناتیوی برایش قائل نباشیم.

شما که با آقای عابدزاده اختلافی نداشتید؟

نه، ببینید به بحث اختلاف من و احمدرضا خیلی دامن زدند. این کار را نشریاتی کردند که بیشتر فروش بروند. هنوز هم که هنوز است این کار را می کنند در حالی که اختلافی وجود ندارد. البته طبیعی است شما وقتی با پدرت هم مسابقه می دهی یا حتی بچه و برادرت که همه وجودت و عشقت به حساب می آیند، دوست داری برنده باشی چون بالاخره این ماهیت انسان است اما در آن مقطع بسیاری از مردم آگاهی شان نسبت به این مسأله کم بود و دوست داشتند فضا را تک قطبی کنند و از دو قطبی و سه قطبی فرار می کردند. در صورتی که باید فکر این را می کردند اگر گلر اصلی مان مصدوم است باید حتماً آلترناتیوی برایش داشته باشیم یا اگر گلر محروم می شود دو تا گلر آماده روی نیمکت باشند به عنوان آلترناتیو. الان خیلی از تیم های ملی دنیا را می بینید که در بازی های دوستانه گلر دوم یا سوم شان را میدان می دهند.

فکر نمی کنید در آن مقطع بازیکنان باتجربه تیم ملی هم احیاناً موضع داشتند و می ترسیدند شما به‌عنوان یک جوان در ترکیب اصلی بازی کنید؟

نمی دانم اما طبیعی است. بالاخره من جوان بودم اما ما داریم درباره ۲۳ سال قبل صحبت می کنیم. در کشور ما از ۲۳ سال قبل تا الان بسیاری از شرایط تغییر کرده، تفکرات تغییر کرده، ایدئولوژی ها تغییر کرده، قیمت ها، بودجه ها و ... اما هنوز به تصمیمات من در آن زمان دامن می زنند و می گویند چرا آن طوری عمل کردی؟ چرا احترام بزرگتر را نگه نداشتی. واقعاً اینها چه مزخرفاتی است که می گویند؟ من یک جوان ۲۳ ساله بودم در اوج جوانی و ناآگاهی اما حتماً هر جوانی دوست دارد توانایی های خودش را به منصه ظهور بگذارد ولی به ما گفتند برو خانه تان در صورتی که می توانستم ۲۰۰ تا بازی ملی داشته باشم.

شما هنوز از اتفاقات و حرف‌های آن زمان ناراحتید؟

جو بازیکنان تیم ملی بسیار خوب بود و همه از من حمایت می کردند. من نه با کسی دشمنی داشتم نه چیز دیگر اما طبیعی بود که وقتی یک گلر جوان به جای یک باتجربه پشت سرشان بازی می کند دست و پایشان بلرزد. فکر کنید شما یک عمر با یک راننده باتجربه رفته‌اید شمال، از میان برف و بوران و سنگ و کلوخ و بهمن شما را برده و به سلامت رسانده اما حالا یک جوان ۲۳-۲۲ ساله پشت فرمان نشسته. خب می ترسید. اما ما رفتیم و رسیدیم. ما مقابل یوگسلاوی بازی کردیم که بلاژوچ گفته بود ۵ تا می خورید و اگر این طور نشد یک توپ را می بلعم. در آن بازی ۸ تا کاشته شده و توپ رسیده به من. من یک بار دیوار را بد بستم، دو بار بد بستم، ۶ بار که اشتباه نبستم. چطوری می شود که با یک بازی می شوم سیزدهمین گلر جهان؟ من با پیترا شمایکل مقایسه شدم.

